

فراید غیائی

کتابیکه منبع مهم تاریخ هرات و خراسانست

بر تاریخ هرات کتابهای متعددی بزبان عربی و دری در ادوار مختلف عصر اسلامی تالیف شده که اکثر آنرا بوسیله کتب رجال شناسی و کتابشناسی قبلاً شناخته ایم و مخصوصاً بعد از طبع و نشر تاریخنامه هرات و مقدمه آن نخستین بار در سنه ۱۹۴۳ م از کلکته بسعی پروفیسوز محمد زبیر صدیقی انتشار یافت، و مؤلف آن سیف بن محمد هروی در اوایل قرن هشتم هجری از رجال آگاه در مقدمه طبع مذکور داده شده است. درین مقاله کتابی دیگر که دربارهٔ اوضاع کلتوری و علمی و سیاسی معلومات نهایت گرانبھائی در بر دارد، معرفی میشود، که تاکنون طبع و نشر نشده، ولی چند نسخه خطی آن در کتابخانه های آسیا و اروپا محفوظست.

در اواسط قرن نهم، هرات پرورشگاه هنر و ادب و علوم اسلامی بود، که از آن جمله فن تاریخ نویسی نیز پیش می رفت، و نمونه های گوناگون آن موجود است که ضبط وقایع به اعتبار وقوع در ادوار شاهی حکمداران و خاندانهای سلطنتی باشد، مانند تاریخ حافظ ابرو و مطلع السعد بن و روضه الصفا و حبیب السیر و غیره.

دوم : ضبط وقایع با اعتبار سنوات، که هر سال فصلی مخصوص بخود دارد، و آنچه در آن سال واقع گردیده، بدون تفکیک انواع وقایع مسلسلأ نوشته میشود، و شبیه به کرونولوجی کنونی است مانند

مجمعل فصیحی از فصیح الدین احمد خوافی دیوان هرات (وزیر دارایی) مشتمل بر وقایع دوره اسلامی از سنه یکم تا ۸۴۵ ق. سوم: ضبط فرامین و اسناد و مکاتبات رجال مشهور سیاست و دین و کلتور و اجتماع، که نمونه اتم آن همین کتاب مانحن فیه فراید غیائی است.

در زمان شاهی شاهرخ بن تیمور که هرات دوره کامرانی و شادابی و ریحان فرهنگی خود میگذرانید، مرد دانشمند از رجال دربار بنام جلال الدین یوسف اهلی بن شمس الدین محمد فرزند شهاب الدین عبدالله جامی، کتابی بزرگی که مجموعه فرامین نامه ها، منشآت و مکاتبات رسمی و غیر رسمی و اخوانیات و اسناد گوناگون رجال خراسان و ایران و ماورالنهر و هندوستان است، بوجود آورد، که متأسفانه تاکنون طبع نگردیده. ولی چندین نسخه خطی آن درین کتابخانه ها محفوظست، که از آن تاکنون خبر دارم.

اول: نسخه خطی پوهنتون پنجاب در لاهور، مشتمل بر ۹۱ ورق و صفحات ۲۱ سطری که ناقص است. خط آن نستعلیق که خوبی قرن نهم یا آغاز قرن دهم هجری به نظر میآید، تاریخ کتابت ندارد.

دوم: نسخه خطی دانشگاه تهران به نستعلیق و نسخ درشت از سده ۹-۱۰ در ۷۰۲ صفحه دارایی ۴۳۷ نامه که تاریخ کتابت نسخه ندارد. سوم: نسخه خطی نمبر ۴۱۵۵ کتابخانه ایاصوفیا در آستانبول نوشته محمد بن بدرالدین استاد در اول زیقعه ۸۶۱ ق در تربت جام، که محتویات آن در ۱۱۴ ورق چنین است:

باب اول: رسایل سلاطین و ملوک و امراء، دارایی ۱۳۳ نامه (که فقط همین باب دارد).

چهارم: نسخه کتابخانه اسعد افندی آستانبول (نمبر ۳۳۲۹) در ۲۸۷ ورق که در آغاز زیججه ۲۰ قمری در مکه در ملک حسن بن

حسین تالش بوده و فقط جلد نخستین است مشتمل بر ۱۹۵ نامه. تاریخ کتابت ندارد و پیش از ۸۲۰ قمری نوشته شده باشد. پنجم: نسخه خطی توپینگن آلمان (شماره ۱۵۶/۱۳۶) بخط نستعلیق و نسخ در بین یک مجموعه در متن وهامش نوشته شده است، و ۱۳۵ نامه دارد، کتابت ۸۳۶ ق.

ششم: نسخه خطی کتابخانه برلن (شماره ۱۰۶۰) دارای بابهای ششم تا دهم در ۳۰۰ ورق مؤرخ جمادی الاخر ۸۶۱ ق گویا از نسخه اصل نقل شده و فهرست همه ده باب در آغاز آن آمده است.

هفتم: نسخه کتابخانه لیدن شماره (۶۰۶) که میگویند اصل است متأسفانه یکی ازین نسخ مکمل نیست و از نسخه لیدن هم خبری نداریم که مکمل است یا ناقص؟ و باید دیده شود که اگر برآستی نسخه مکتوبه اصل مؤلف و دارای ده باب و تمام محتویات کتاب باشد باید در استفاده از آن و یا طبع و تحقیق برآن مرجع نخستین مهم شمرده شود.

نام مؤلف و خاندان و آثارش:

چنانچه گفته شد نام مؤلف یوسف بن محمد بن شهاب جامی مشهور به یوسف اهل بود، که در مقدمه فراید غیائی گوید:

تا مرتب کردم این مجموعه را
قوت و قوت یافت طبع باهرم
شهریار کشور اقلیم نـــــــــــــ
گشتم و بر نظم دانی قـــــــــــــ
یوسف اهل که از بستان فضل
یک گل این شعر ست نه من شاعرم

اگر چه یوسف اهل مدعی شاعری نیست، ولی غالباً تخلص شاعرانه او برهان بود که در حبیب السیر بنام خواجه یوسف برهان مذکور است چنین:

"خواجہ یوسف برهان : در سلک اولاد شیخ الاسلام احمد جام منتظم بود و در طریق فقر و تجرد سلوک مینمود از فن موسیقی و قوفی تمام داشت و گاهی نقش تالیف و نظم اشعار بر لوح خاطر مینگاشت. از مصنفاتش ترسلی مشتمل بر منثآت اکابر سلف در میان مردم مشهور است (غالباً همین فراید غیائی) و از اشعار آبدارش این بیت در مجالس النقایس مسطور، بیت :

رسید موسم شادی و ذوق و عیش و طرب

اگر گدا بمراد دلی رسد، چه عجب؟ (۱)

خانواده شیخ احمد نامقی جامی از دودمانهای اصلی و معروف خراسان است، که رجال آن بعد از قرن هفتم هجری پا از خانقاه بدربارها کشیدند و رجال بزرگ علمی و صوفیان و وزیران و اهل دربار و سیاستا زآن بر آمدند، که از آن جمله معین الدین محمد بن شمس بن شهاب بن محمد بن محمد بن شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد نامقی وزیر معزالدین محمد کرت و منشی مترسل عصر (متوفا ۷۸۳ ق و مدفون متصل قبر شیخ الاسلام جام) است که بسا از منشآت او را یوسف اهل در فراید غیائی ضبط کرده است. (۲)

این مؤلف جامی علاوه بر فراید غیائی مؤلفات دیگری هم داشته، که از آنجمله کتابی بنام حدایق الاسلام نعت النبى علیه السلام در شرح قصیده برده در کتابخانه لیدن موجود است، که مؤلف آنهمین یوسف محمد بن شهاب جامی باشد و در سنه ۸۶۳ ق کتابت شده و در آخر آن نوشته اند (اعلم ان هذه النسخه الشريفه بخط مصنفه بلا نزاع و لاریب و لا یحفی لمن نظر فی اوله و آخره حیث ابتداء و ختم). (۳)

کتاب سوم این دانشمند ترجمه فارسی المواهب الشریفه فی مناقب ابی حنیفه تالیف علی بن زید بیهقی در سنه ۵۵۶ ق است، که در شوال ۸۳۹ ق بنام تحفه السلطان فی مناقب النعمان برای شاه رخ

به زبان دری بر گردانیده شده و حاجی خلیفه آنرا دیده بود. (۴) چهارمین کتاب تالیف یوسف جامی، تحفه الامیر نامداشت که بنام امیر کبیر ابراهیم سلطان بن شاهرخ متوفا ۸۳۸ ق اهدا شده و در مقدمه فراید غیائی ذکرى و اقتباسی از آن آورده است. (۵)

ناگفته نماند که مرتب دانشمند فهرست کتابخانه دانشگاه تهران که فهارس محتویات نسخ فراید غیائی را ترتیب داده سهواً تحفه الامیر را به کاتب نسخه ایا صوفیا منسوب داشته، (۶) در حالیکه بر صفحه ۵ همین مخطوطه بصراحت نام مؤلف تحفه اقل الکتاب یوسف بن محمد بن شهاب آمده و در (ص ۶) سطر ۴ خود را بعبارت (کاتب فقیر) ستوده و در سطر ۷ گوید: کتاب تحفه الامیر که از مصنفات این فقیر است.

باچنین تصریح نباید تحفه الامیر را به کاتب نسخه یا صوفیا منسوب داشت، بلکه از تالیفات خود مؤلف یوسف اهل است.

فراید غیائی :

این کتاب که برخی از نسخه های معلوم آن دربالا نشان داده شد، در حدود ۸۰۰ نامه رجال مشهور دیوانی و درباری و دوستانه و عارفانه از دانشمندان قرن ۲ تا ۸ هجری دارد که عدد ایشان بدو صد تن منشی و عارف و وزیر و حکمران و غیره میرسد و ختم کتاب در ۸۳۷ ق صورت گرفته خود مؤلف گوید :

ز سال عرب هشتصد و سی و هفت
که در جام اتمام این کار رفت
بدست یکی بنسوده پر گناه
امیدش فراوان بفضله
که اصلش زجامست و یوسف بنام
لقب داده اهلش اهالی جام
قریب دو صد کس زابنای دهر
که ناشم از بشانست از شام دهر

زهر کشوری جمع این دفتر اند
که در فضل والی صد کشور اند

(خاتمه نسخه خطی فراید غیاثی ایا صوفیا)

چنین بنظر می آید که یوسف اهل این کتابرا مدتی قبل از (۸۳۷ ق) بنا نهاده، بود، زیرا بر نسخه کتابخانه اسعد افندی استانبول نوشته شده که در (۸۲۰ ق) در مکه از آن ملک حسن بوده و باید پیش ازین تاریخ تالیف آن پایان یافته باشد، در حالیکه در خاتمه منظوم نسخه ایا صوفیا خود وی گوید :

بشش سال مجموع این جمع کرد

کزین جمع، عالم پر از شمع کرد

پس ناگزیر باید گفت که یوسف قسمت های نخستین کتابرا پیش از (۸۲۰ ق) فراهم آورده بود که تویب و ترتیب آخرین آن مشتمل برده در جام در سال (۸۳۷ ق) برای وزیر غیاث الدین خواجه پیر احمد بنام ابوالمظفر شاهرخ سلطان انجام یافت وی گوید :

بدم مست جام می احمدی

بیر خلعت خاص پیر احمدی

بصد باب رفتم که ده باب شد

پس از رنج مقبول اصحاب شد

بوصف وزیری که مثلش خودست

جهان کرم، خواجه پیر احمدست

(از خاتمه نسخه خطی ایاصوفیا)

این وزیر دانشمند و مدبر هرات خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی در اواخر (۸۲۰ ق) بوزرات شاهرخ رسید و مدت سی سال وزیر مملکت خراسان در هرات بود چون در (۸۵۰ ق) شاهرخ در گذشت میرزا عبداللطیف پسرش هم او را وزیر ساخت، و بعد از حبس عبداللطیف در زمان علاالدوله هم وزیر بود. بعد از آنکه علاالدوله

شکست خورد خواجه به عراق (ایران کنونی) رفت، و لمیر دیوان میرزا سلطان محمد بن بایسنقر گردید و کمی بعد به حج رفت چون در سنه (۸۵۶ ق) از آن سفر آمد در یزد بخدمت میرزا ابوالقاسم بابر رسید، چون این شهزاده او را دوست نداشت، گرفتارش نمود و باز جزو تعذیب مبالغه گزافی از وستد، خواجه او عهده تحمل این ماجرا نبر آمد و جان داد و در خوف دفن شد. (۷)

مطالب کار آمد فراید غیاثی :

در حدود (۸۰۰) نامه و سند و فرمان راهداری و در خواست و منشور و انشاء (یادگار نویسی در جریده یا کتابچه یادداشت) نزدیک بدو صد کس در مدت چهار قرن هجری (۴۰۰ - ۸۰۰ ق) درین کتاب در ده باب فراهم آمده :

باب اول : رسایل سلاطین و ملوک و امراء

باب دوم : رسایل صاحبان و وزیران

باب سوم : رسایل سادات و نقیبان

باب چهارم : رسایل قاضیان و والیان

باب پنجم : رسایل سواالی عظام و اهالی کرام

باب ششم : رسایل مشایخ عظام

باب هفتم : رسایل مناشیر و امثالات

باب هشتم : رسایل فتح قلعه ها و بقاع

باب نهم : رسایل مصایب و واقعات

باب دهم : رسایل متفرقه

که تمام این نامه ها بقول یوسف اهل :

خوش آینده طبعهای کریم

فزاینده عقلهای سلیم

بر اقلیم انشا شود شهریار

کسی گر بر و بگذرد یکدوبار

کتابی چنین کی بود در جهان
 میان کهان و میان مهان
 که تاریخ عصرست و انشای دهر
 بگوید مقادیر ابنای دهر
 بسی قصه پادشاه و وزیر
 بسی داستان امیر و دبیر
 بسی رشنه خامه موبدان
 بسی پاسخ نامه بخردان
 بسی از سخنه‌ای پاکان دین
 که بودند در ملک ایرانزمین

(از خاتمه نسخه خطی ایاصوفیا)

علاوه بر نمونه های انشاء و نثر فارسی و عربی درازمنه مختلفه و کشورهای آسیایی فراید غیائی متضمنین فواید فراوانی دیگر است مانند :

۱. روابط سیاسی رجال دولتی خراسان و ایران و ماوراء النهر و هندوستان بایگدیگر
۲. شناسائی بسا از رجال تاریخی در سیاست و علم و ادب و دین و هنر و تصوف و غیره
۳. وقایع تاریخی و جلوس و درگذشت فرمانروایان و فتوحات و جنگها با تعیین سنوات برخی از وقایع
۴. دادخواهی ها و شکایات و سپارش ها که از آن وضع اجتماعی و اخلاقی و روش عمومی دولت ها و افراد را درک توان کرد.
۵. وضع اداری و دفتر داری و وجود مؤسسات دولتی
۶. سلطه روحانیون و متصوفیان و اثر ایشان بر طبقات عامه
۷. مراکز روحانی و علمی و مؤسسات عام المنفعه

۸. مناشیر مقرریها و انتصابها و اسناد اوقاف و شجره های ارشاد و اجازت نامه های علمی

۹. نامه های شاهان و حکمداران بیکدیگر

۱۰. روابط سفارتی و مراسم ارسال ایلچیان و سپارشهای راهداری بدین نهج محتویات فراید غیائی مخصوصاً بر دوره آل کورت هرات و تیموریان عهد شاهرخ و پس از او روشنی می اندازد که برای نوشتن تاریخ وقایع و سیاست عصر آن سود برده میشود و هم در تاریخ ادبیات و نظم و نثر دری مفید خواهد بود، زیرا بقول فهرست نگار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱۴ ص ۳۷۹۱) در حدود (۵۰) تن شاعرانی با آثار شان درین کتاب مذکور اند که در هیچ تذکره و منبعی نام و اثر شان نیامده و هم (۱۹) تن از خاندان معروف خواجه وزیر معین الدین جامی را معرفی مینماید. که از رجال کارآگاه دانشمندان و ماخر خراسانند.

ناگفته نماند که سبک انشای اکثر نامه ها و فرامین و اسناد، مطابق رواج آن عصر خیلی مغلط و مملو از ابیات و عربیات و انواع صنایع لفظی و معنوی است، که خواندن آن هم تامل فراوان بکار دارد ولی برای کسانی که تاریخ ادبیات و اوضاع عمومی و اجتماعی آن عصر را می نویسند بلا شک مفیدند و باید از منابع مهم تاریخی دوره اسلامی تا اواسط قرن نهم هجری مخصوصاً در خراسان بشمار آیند. (۸)

ماخذ

- ۱ خواند مير حبيب السير ۱۰۴/۴ طبع ايران ۱۳۵۳ ش
- ۲ همو ۳۸۶/۴
- ۳ فهرست کتابخانه ليدن ۸۵/۲ طبع ۱۸۵۱ م
- ۴ حاجي خليفه: كشف الظنون ۱۸۹۰ م
- ۵ صفحه ۵ - ۶ فرايد غياثي نسخه اياصوفيا
- ۶ محمد تقی دانش پزوه: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
مجله ۱۴ ص ۳۷۱۱ تهران ۱۳۴۰ ش
- ۷ خواند مير: دستور الوزراء ۳۵۳ طبع تهران. درين مقاله از جلد
سوم مقالات مولوی محمد شفيح صفحه ۳۷۱ ببعده طبع لاهوی
۱۹۷۴ م و هم مجلد چهاردهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه
تهران طبع ۱۳۴۰ ش صفحه ۳۷۱۰ ببعده استفاده شده است.
۸. مجله هرات باستان. سال ۱۳۶۰ ش، شماره دوم و سوم، صفحه
۴۳ - ۵۰.